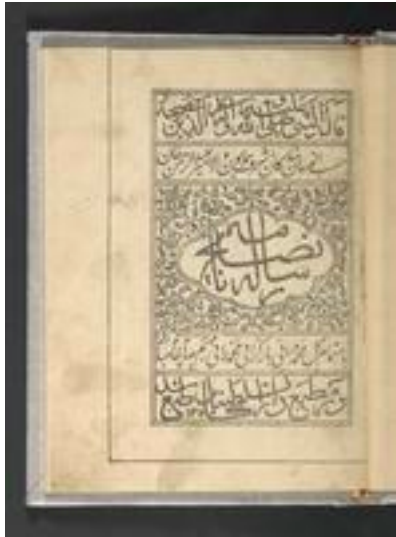


[Afghanistan Digital Library](#)

adl0123

<http://hdl.handle.net/2333.1/n8pk0p8p>

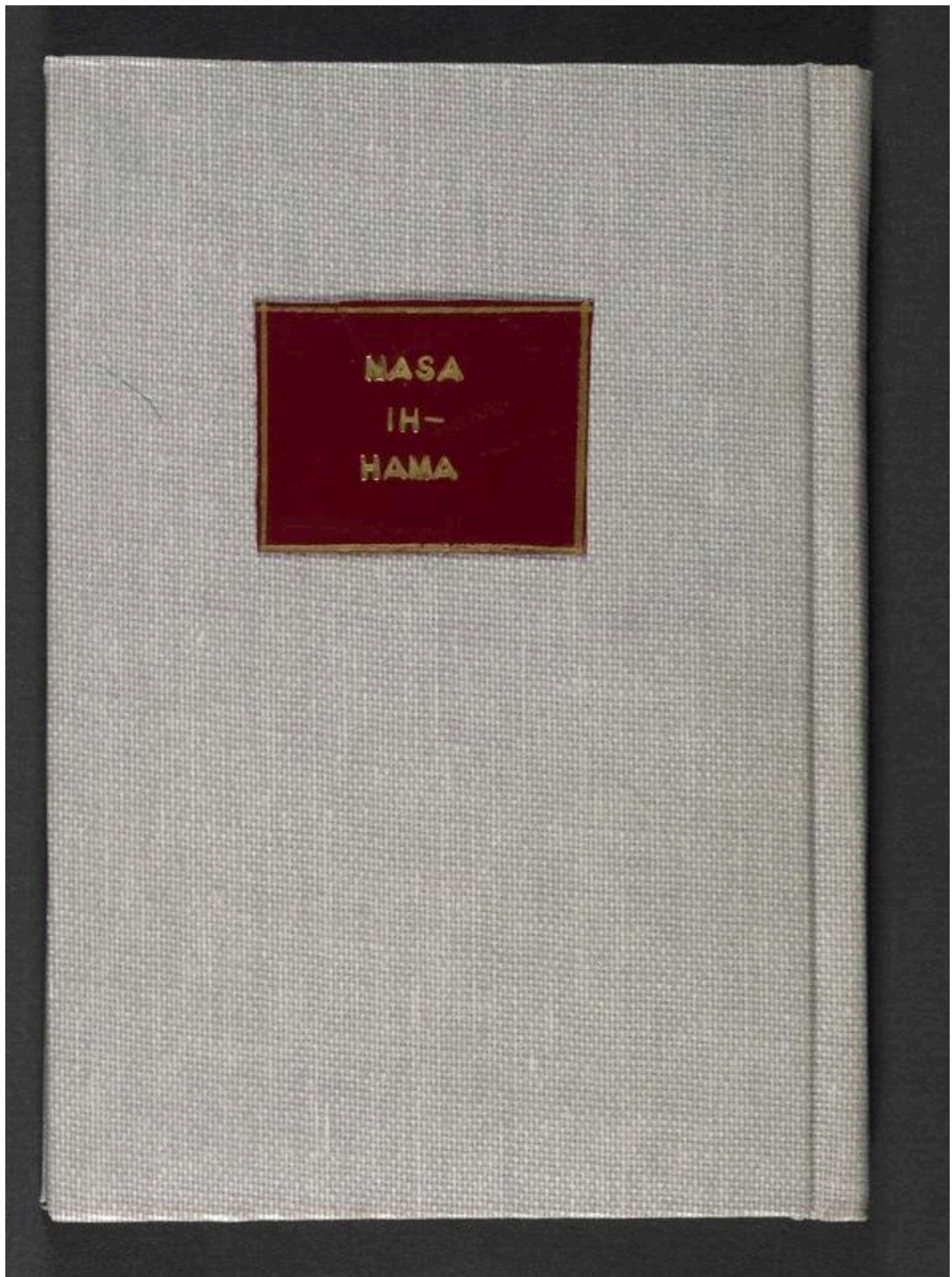


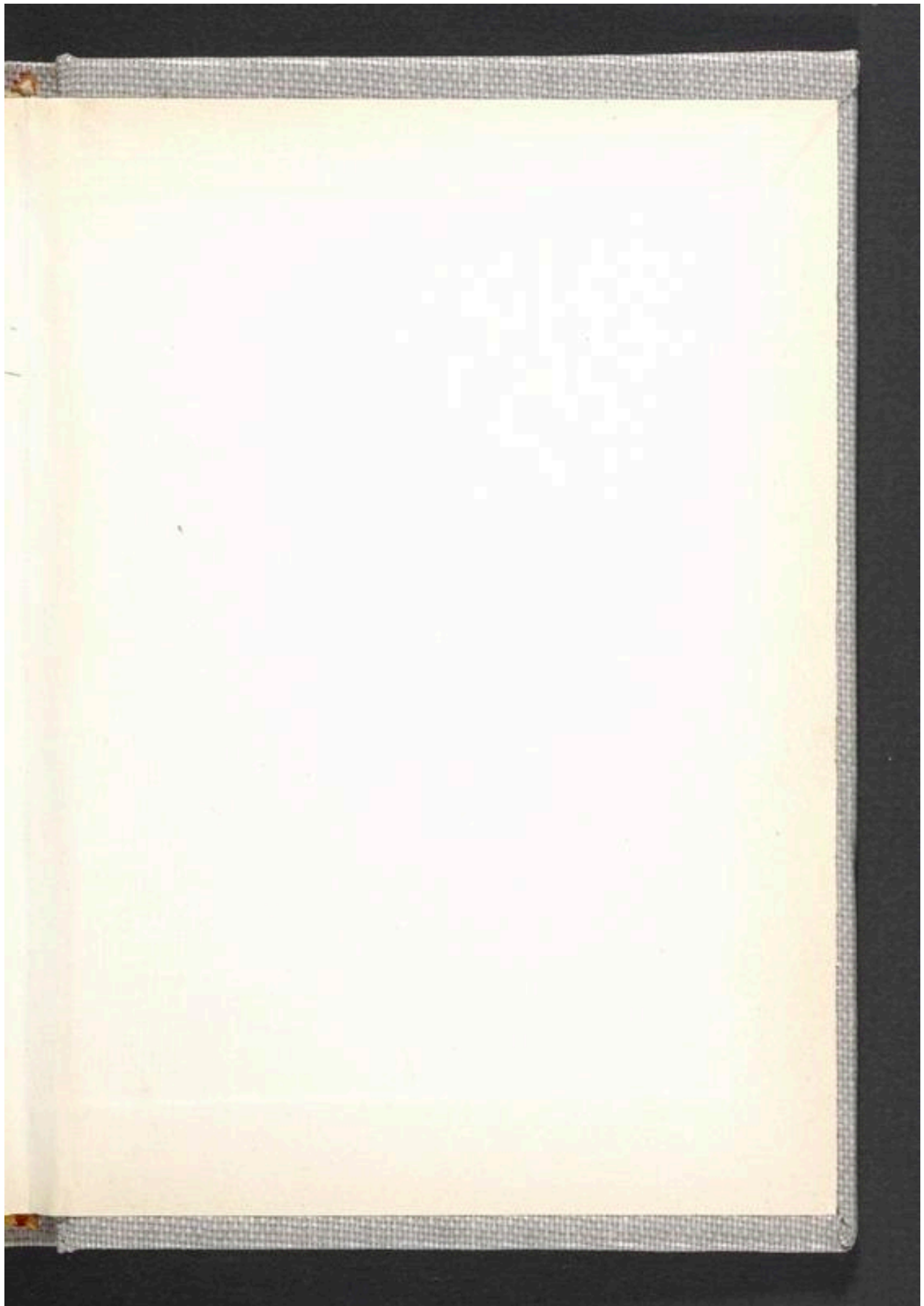
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

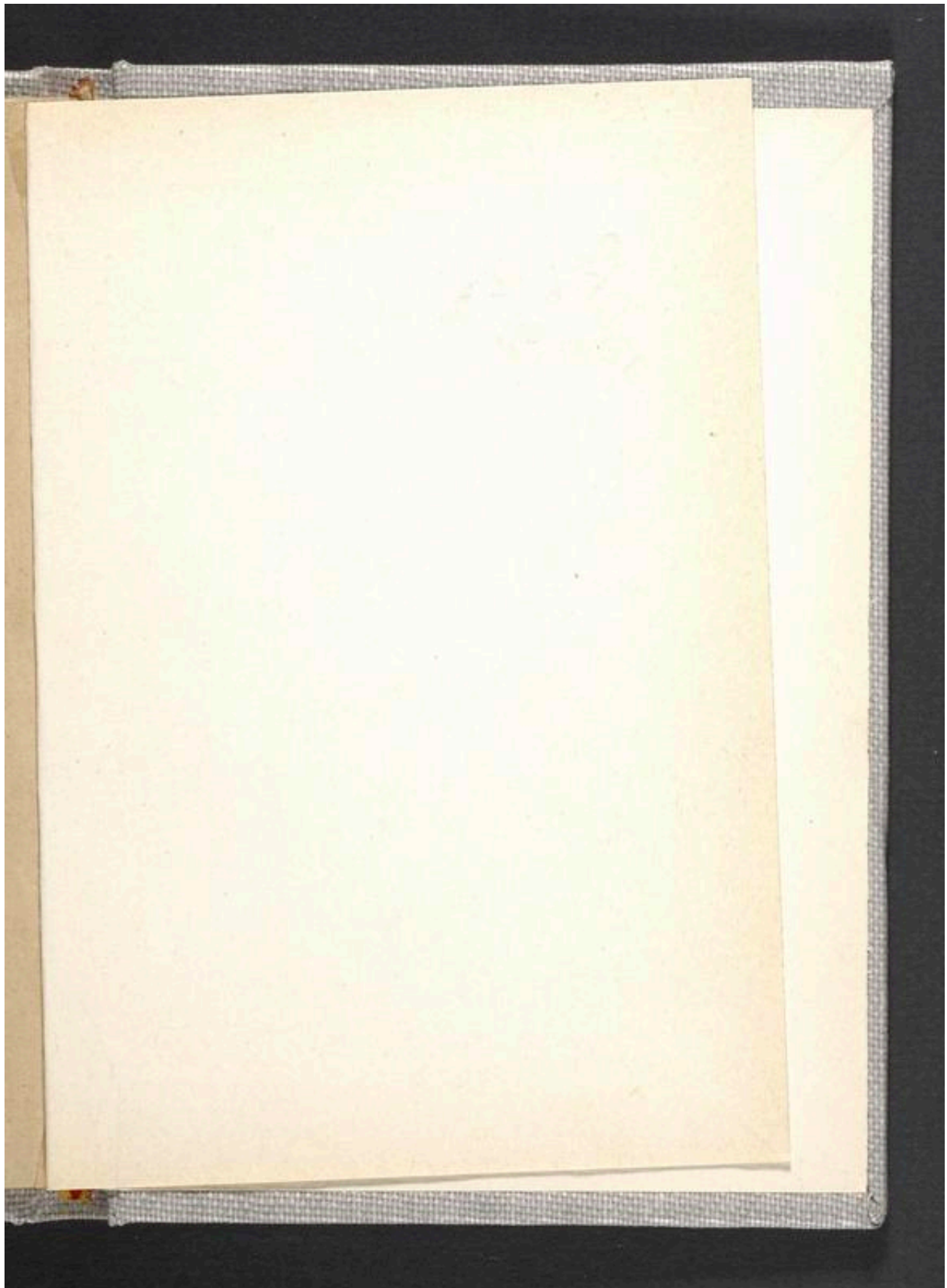


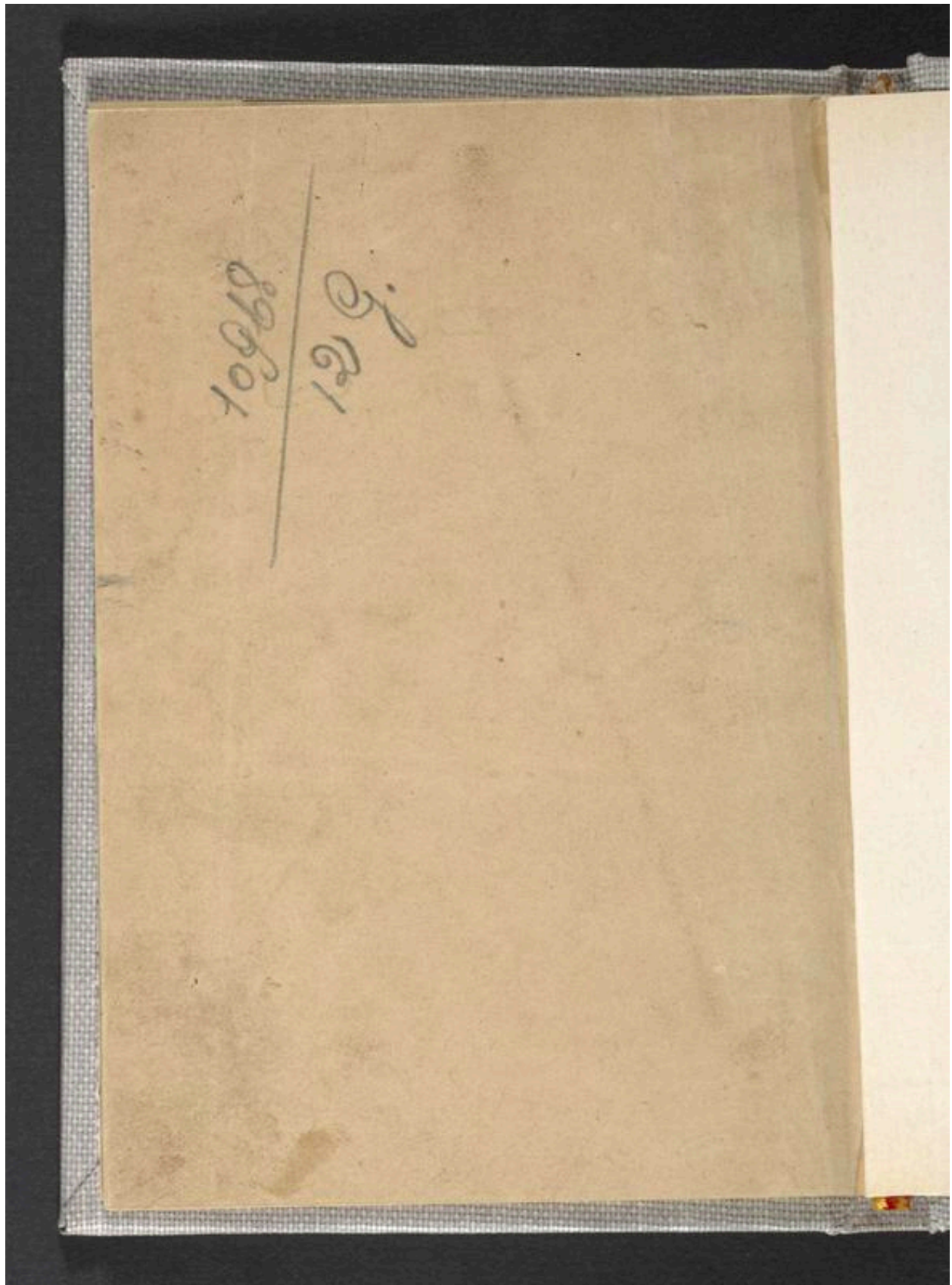


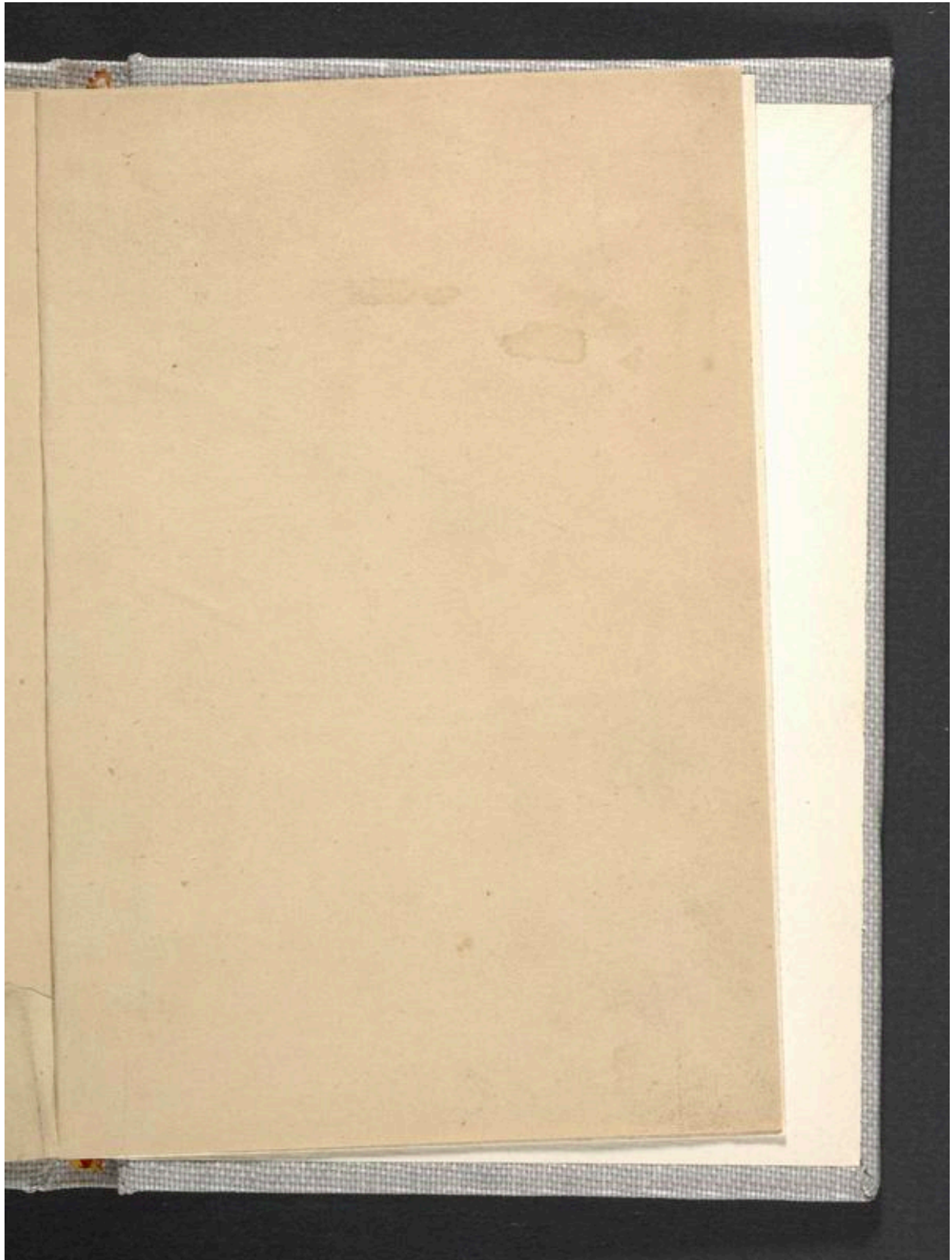
gol Roh. éd

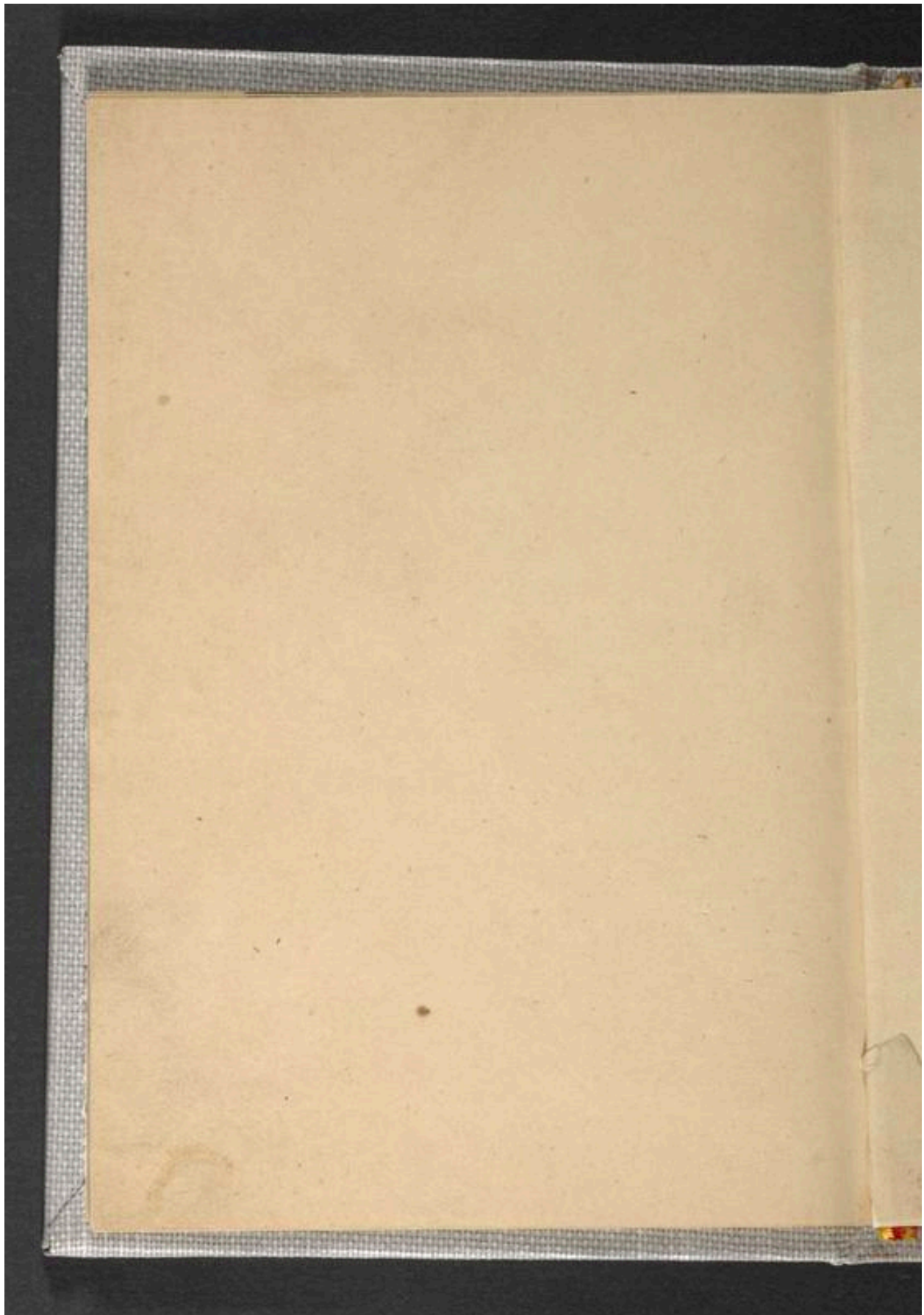
Naláyeht - náma

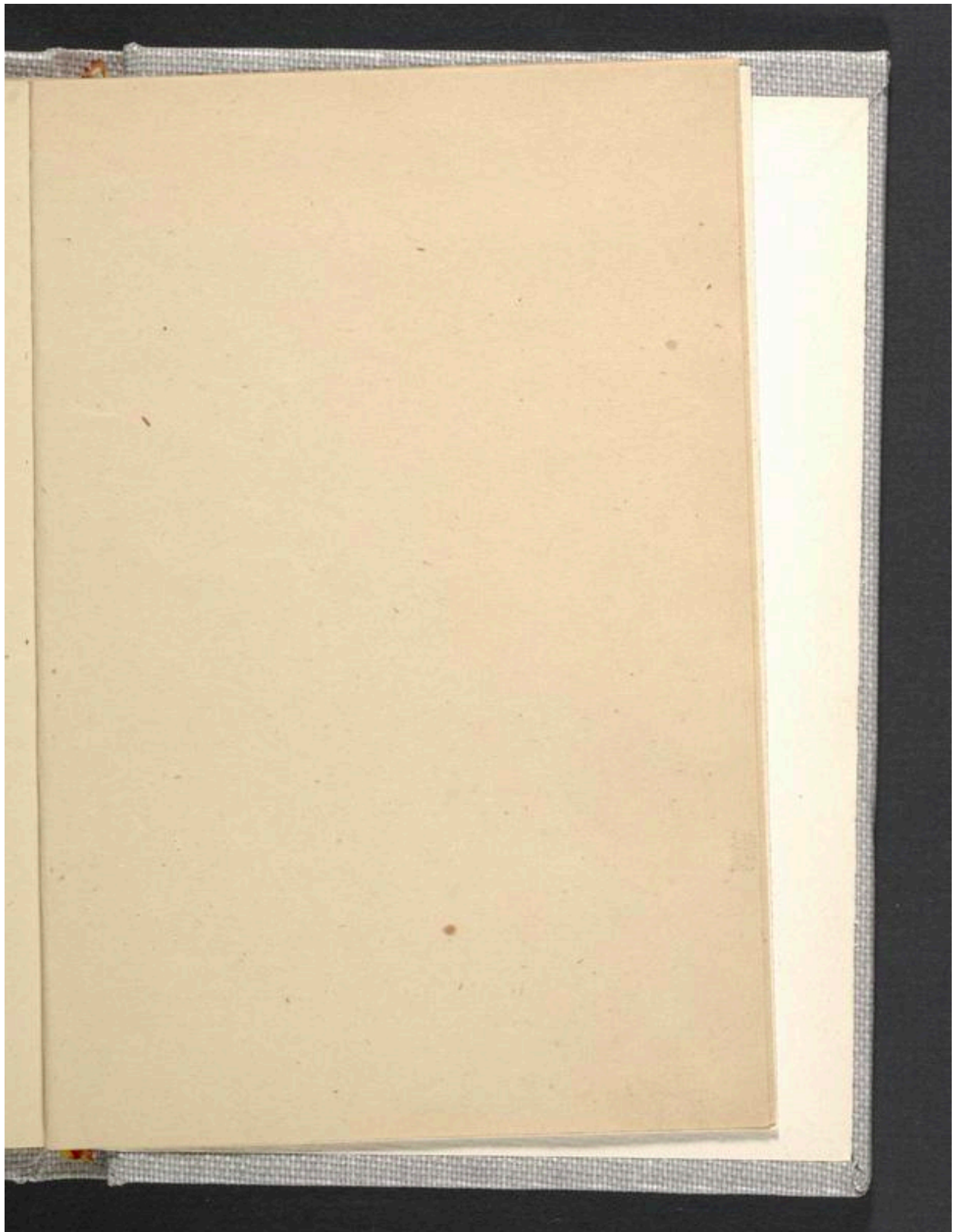
1894

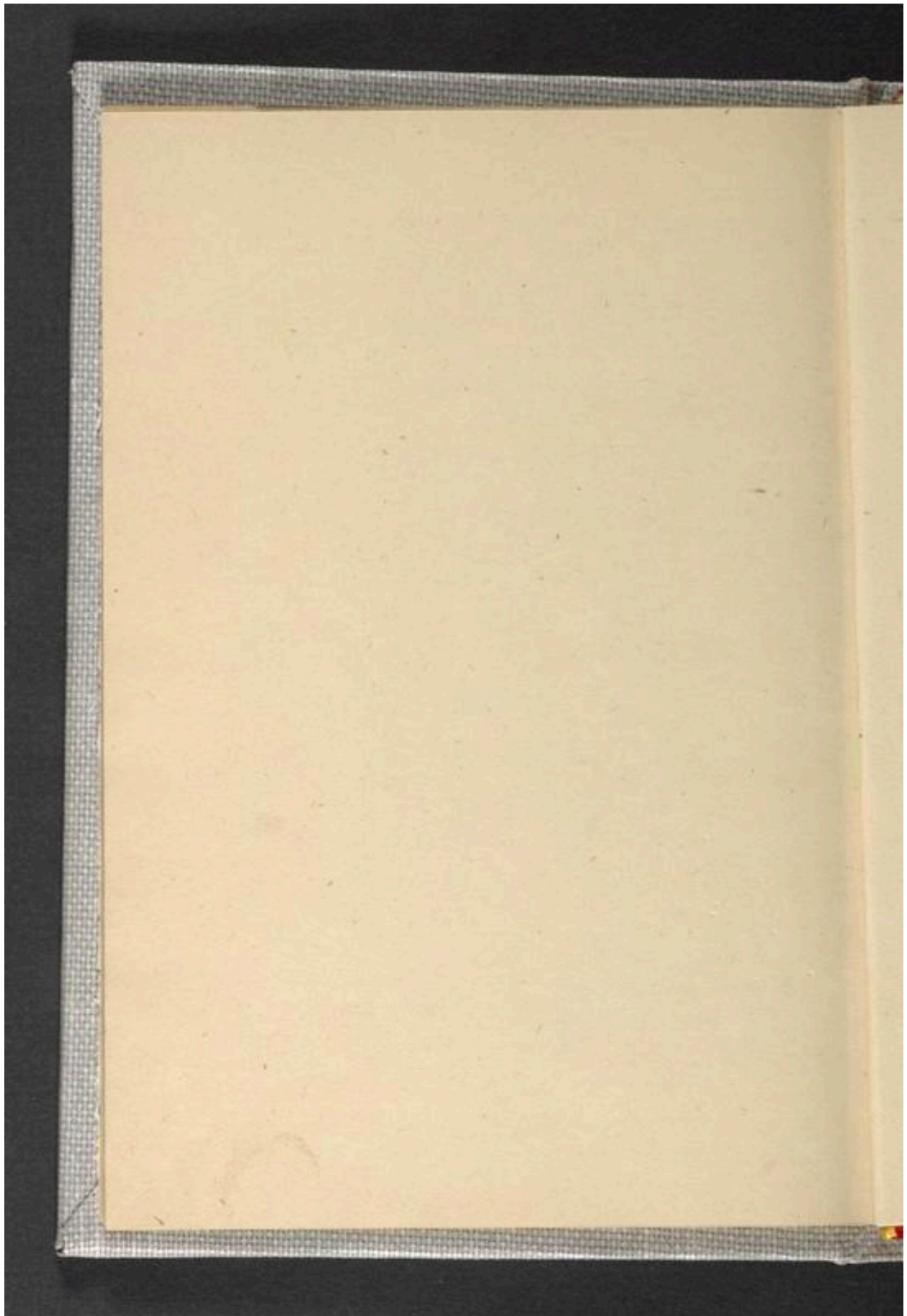


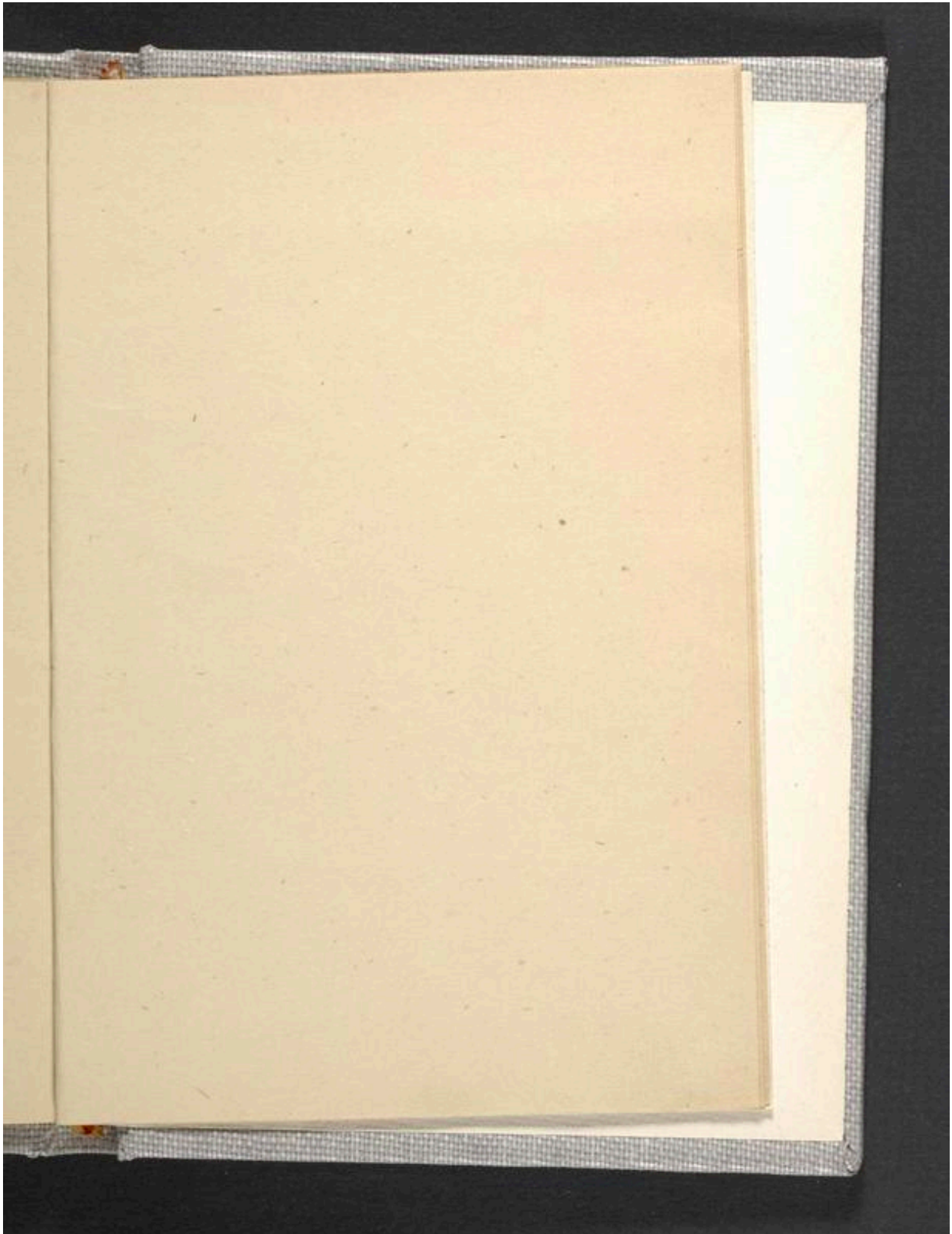


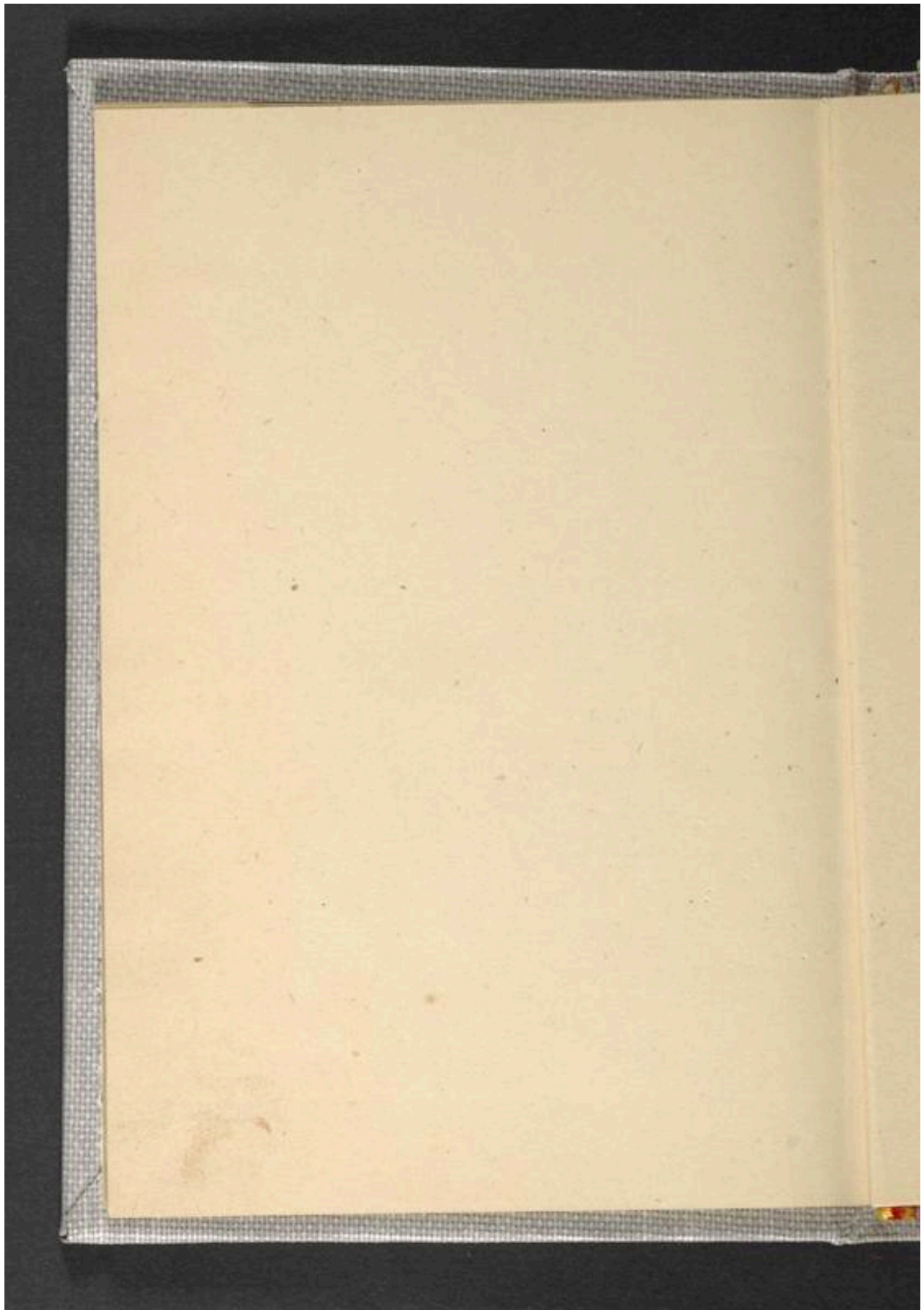








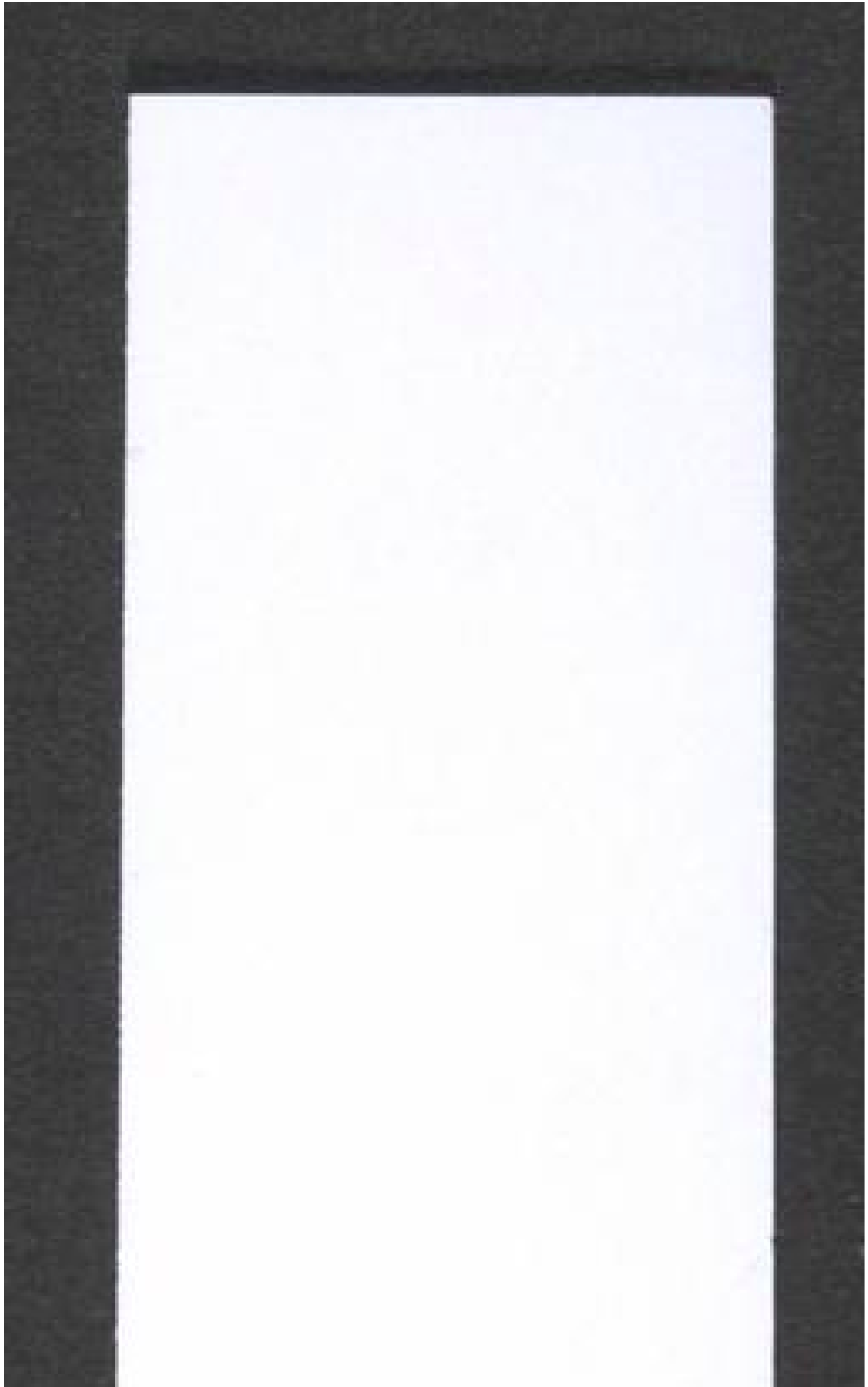


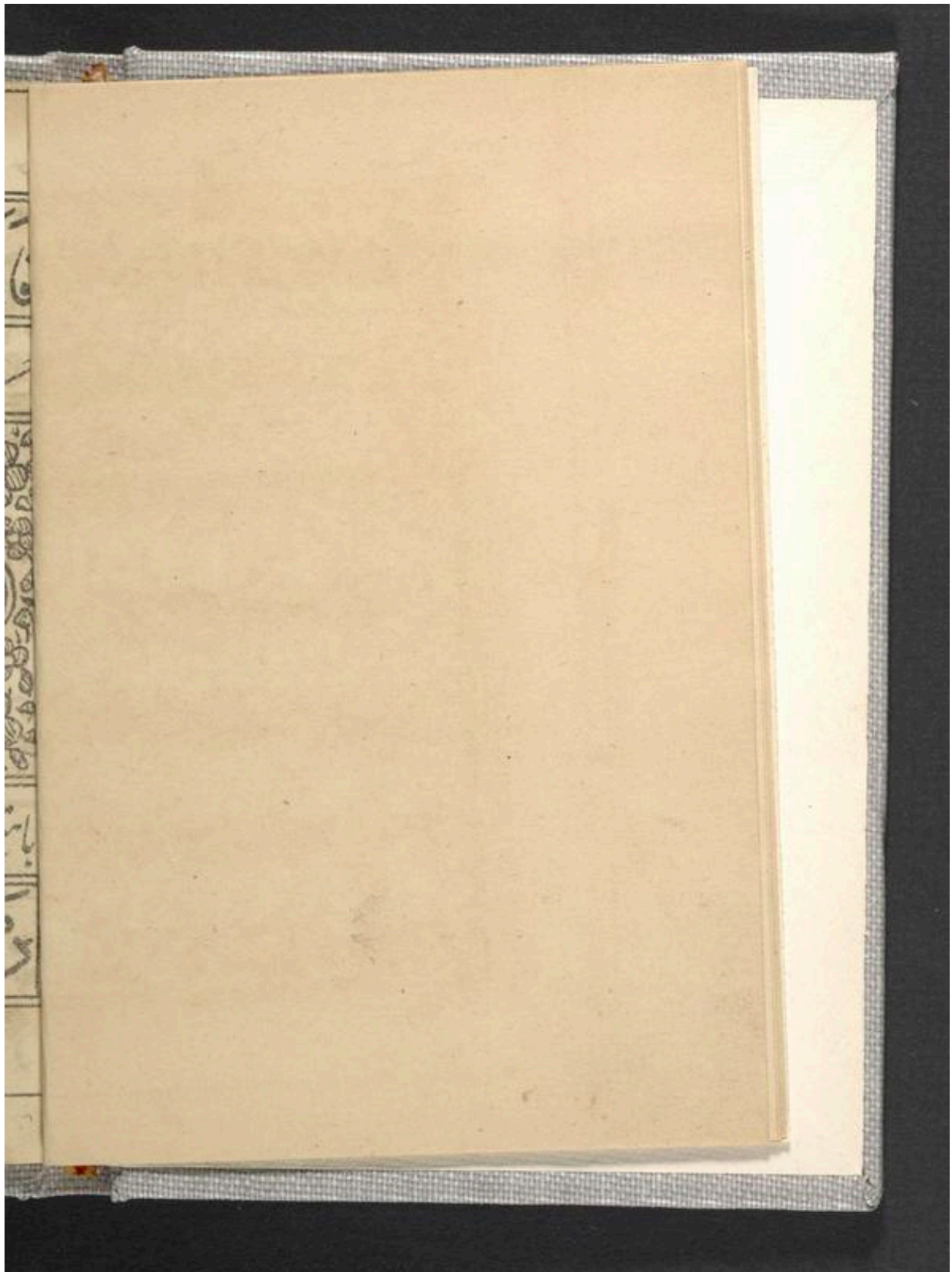


Najâye-
hâma

q. Mhd, ed

1894





قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
حَسْبُ الْفَرَمَانِ كَانِ شَرُّ مَا يُوْنِ الْأَمِيرُ الرَّحْمَنُ
نَضَائِي
بِاتِمَامِ كُلِّ مَحْدَرَانِي بَارَكْرَانِي مَحْدَرَانِي مَهْتَمِ حَيَا خَامِبَانِي
مَطْبَعِ رَايِطْنِي طَبْعِ

۲



بسم الله الرحمن الرحيم

برضا پیر و ان شریعت محمدی خاطر مستحفظان

ناموس دین احمدی صلی الله علیه وسلم واضح باد

که چون جناب فیض آباء معالی القاب

امیر کبیر روشن ضمیر عبد الرحمن خان غا

۲۰

۳

مدانده تعالی طلاله و ضاحف جلاله از کمال
دینداری و مسلمانی و شفقت و مهربانی بمو
بر خادمان و چاکران و عامه اهل ایمان چون
ابر رحمت یزدانی در نصایح سودمند
والای مواعظ پسندید مبارند و می نگارند
البته که شکرانه وجود مسعود این چنین پادشاه
اسلام و قدردانی این چنین ایام سعادت فرجام

۴
بر خاص و عام انام واجب و لازم و پذیرتن
و عمل آوردن این جمله اندر زبانی جاری جازم
بیت چند حکیم عین صوابست و محض
فرخنده نجات آنکه بسمع رضا شنیده چنانچه
شی از شهباب با مشرفان مجلس حضور در
مخاطبه فرمودند که ناموس کس بر برای اهل
اسلام دین متین خاتم النبیین صلی الله علیه

۵

و سلم است نه اینکه بعضی انبای زمانه عبادت
عبادت و شریعت را بعرف مبدل ساخته
برای خود ناموسهای اسی و رستمی تراشیده
تفصیل این اجمال آنکه هرگاه زن و فرزند
و خواهر و خست و مال و جاه و غیره متاع
دنوی ناموس باشد پس در صورت
کسی ناموس ندارد زیرا که این جمله در معرض

۶

تغیر و تبدل و حیف و میل می آید چنانچه
منکوحه بیک کلمه ایجاب و قبول می آید و
بیک لفظ طلاق میسرود و خواهر و خسترا
دیگری در ملک ازدواج میکند همچنین جمله
مخرفات دنیا آمد و رفت دارد و این
معنی طایرست که احداث جمله امورا
از نکاح و طلاق و عتاق و بیع و شرا و صلح

وادی

۷

و دعوی و مجالست و مکالمات و سایر
معاملات جهان داری که در میان مسلمانان
تقریر قاعده دین مبین میشود برای احدی
تتمت بدناموسی و طعنه تنگ و عاری از
و هرگاه از شخصی خلاف قاعده دین امری
بوقوع برسد بدناموسی صریح است که مجال
غدری و حیلۀ دران نمیباشد و دیگر آنکه ناموس

۸

در لغت عبارت از سرست که در میان
دو کس میباشد چنانچه زن را به سبب آنکه محرم
اسرار شوهر است مجازا ناموس گفته میشود پس
این چنین اسرار عظیمی که مراد از دین قیم
که بندگان دنی و خسیس را در بهشت نعمت حواء
خداوند کریم میرساند چگونه ناموس نباشد زیرا که
در میان خداوند تعالی و بندگان غیر از دین اسلام

۶

۹

دکریچ واسطه قربت و وصول نیست عمر
چه نسبت خاک را با عالم پاک آیه کریمه سوره
آل عمران که در ربع چهارم از خبر و سیوم است
مؤید این قول است و آن اینست وَمَنْ
يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ
فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ یعنی سیکه
خواهش و اختیار کند غیر از دین اسلام دینی را

۱۰

پس قبول کرده میشود از آن دین و اوست
در روز قیامت از زیانکاران - و هم ازین جهت
جبریل علیه السلام را ناموس اگر گفته میشود
که واسطه تبلیغ جمیع ادیان سماوی است
دلیل دیگر آنکه برکت دین اسلام هر مومنی حساب
انساب و اولاد و اهل و عیال و ملک و مال
و غرت و اجلال است که این جمله را برای خود

ناموس

۱۱

ناموس پنداشته و اگر عیاذ بالله شخصی از دین
بگردد و مرتد شود در حال زن او طلاق میشود
و شرعاً از میراث والدین و جمله موارثت ^{عصبی}
و ذوی الارحامی محروم و از کفوت خویش و
قوم مردود و مجرم میگردد بلکه وجود نفس او
نیز در معرض قتل میروند چنانچه در کتب متداوله
فقه شریف باتفاق جمهور مکتوب و مسطور است

۱۲

چون بیک کلمه کفر آنچه را برای خود ناموس
دانسته بود همه برباد فنا میرود - پس ثابت شد
اینکه دین اسلام بذات خود ناموس است
و این جمله قایم بدین است - تحقیق پیوست که
دین اصل جمله ناموسهاست و باقی فرع است
پس گاه داشتن و گاه نداشتن ناموس کبر بر مسلمان
فرض عین است چنانچه حق سبحانه و تعالی

الله اعلم

۱۳

در سوره شوری در ربع اول از خبر و بست و ششم
فرموده که شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ
نُوحًا وَالدِّيَّ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا
بِهِ اِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى اَن يَقُومُوا
الدِّينَ وَلَا تَفْتَرُ قَوَائِيهِ ط الآية یعنی بیان فرمود
خدا تعالی برای شما از دین آن خیر را که وصیت کرده بود
با آن احکام نوح علیه السلام را و آن خیر را که

۱۴

وحی کردیم بسوی تو از آیات قرآنی و بان خیریک
وصیت کردیم ما ابراهیم و موسی و عیسی علیهم
السلام را - حال جمله اینست که برپای بدارید
دین را و تفرقه نشوید در دین و مادر محافظت
و برپاداشتن دین محبت خدا و رسول شرط
است که در دلهای او قرار گیرد چه اگر کار دین کار
هوس نیست بلکه کار عشق است چنانچه آیه

۱۴

۱۵

کَرِیمَ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ شَاهِدَ اِنْ قُلْتَ

یعنی خدا تعالی جل جلاله دوست میدارد

بندگانِ مومن را و نیز دوست می‌دارند

مومنان خدا تعالی را و طاهرست که عشق

و محبت یک معنی دارد. و همچنین در کتاب

صحیح بخاری حدیث است از رسول الله

صلی الله علیه وسلم حد ثنا ادم ابن ابی

۱۶

ایاس قال حدیثنا شعبه عن قتادة عن
انس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ
مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ^{يعني}
ایمان نمی آرد یکی از شمایان تا اینکه باشم من
دوست تر و محبوب تر بسوی او از پدر و مادر
او و سرزند او و از تمامی مردمان اگر چه پنهان

۷۱

آیات و احادیث و دلایل بسیارست اما
بنابر آن که این سخن اظهر من الشمس است و در
جمله اهل دین ثابت است که بی محبت خدا
و رسول ایمان کسی مقبول نیست بهین یک
آیت و یک حدیث اکتفا نموده شد - و علامه
محبت خدا و رسول که سبب است از برای
ثبوت ایمان و اسلام بخدا و پیغمبر مشهور

۱۸

درجه اول متابعت شریعت و پیروی سنت
محمدی صلی الله علیه و سلم را بر خود لازم گرفتند
است چنانچه خداوند حکیم در قرآن عظیم در سوره
آل عمران در برع سیوم از خبر و سیوم منفرماید که
قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ
اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
یعنی بگوی مرا امتان خود را اگر هستید شما که دوست

بندارید

۱۹

میدارید خدایتعالی را پس متابعت و پیروی
کنید مرا چون متابعت کنید مرا پس خدایتعالی
هم دوست میدارد شمارا و می آموزد از برای شما
کتابان شمارا و حال آنکه خدایتعالی آموزنده و
نخشاننده است و این اعلی درجه محبت است
که شخص مسلمان مو بمو پیروی و متابعت
سنت نبوی صلی الله علیه و سلم را با خلاص دل

۲۰

و خورسندی خاطر بکنند - اخلاص آنست که کند
در هر عمل محض خورسندی و رضامندی حسند
و رسول را مقصود دارد نه خواہشات و حاجتہا
نفسانی مثل خود نمائی و شہرت و حصول مال
و جاہ چہر کہ اصل در عبادتہا اخلاص دست
نہ محض عمل نمودن بوجایح و اندامہا چہر کہ شائستہ
محبت دل خالص نمودن عملست از ہر

افسانہ

۲۱

رضا مندی خدا و رسول چنانچه حق سبحانه
و تعالی در سوره زمر در ربع دوم از خبر و سبب
میفرماید که **الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ يَلْبِسُوا** یعنی بداند
که مر خدا تعالی را سر او راست پرستیدن پاک
از شرک و عبادت کردن خالی از ریا و تشریف
در کتاب صحیح بخاری با سند صحیح حدیث است
از رسول الله صلی الله علیه و سلم حد شاعبد الله

٢٢

ابن مسleme قال اخبرنا ما الذي عن يحيى ابن
سعيد عن محمد ابن ابراهيم عن علقمة ابن
قاص عن عمران رسول الله صلى الله عليه
وسلم قال لا اعمال يا النيشة ولكل امرئ ما
نوى فمن كانت هجرته الى الله ورسوله فحجته
الى الله ورسوله ومن كانت هجرته لدنيا
يصيبها او امرأة يتزوجها فحجته الى ما هاجر اليه

محي

۲۳

یعنی بدستیکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم
فرمود که پاداش عملها وابسته به تهاست پس
کسی را که باشد هجرت او بسوی خدا مندر
خدا و رسول پس مقبول است آن هجرت او
در دوزخ خدا و رسول و کسی را که باشد هجرت او
از برای دنیا که برسد بآن دنیا یا برای زنی که
بنجاح آرد او را پس هجرت او برای آخرت

۲۴

که برآمده برای آن - مثلاً در سفر عراق سیکه برای جهاد
و طلب رضای حق تعالی برآید ثواب غازیان
و شهدایرامی یابد و سیکه برای طلب غنیمت
یا شهرت برآید اگرچه فرضیت غر از دهنه او -
ساقط میشود اما مثل دیگر صاحبان نیست
فضیلت ثواب مضاعف را بمنی یابد -
و اما درجه او سطر در محبت خدا و رسول است

۲۵

که اگر کسی از ضعفِ شصت بِجمله آداب سننِ
نبوی صلی الله و سلم قیام کرده تواند بار تو
انتقد کند که فراغِ وضو و واجبات را مخالفست
خصوصاً آنجا که ضرائف غیر متعدی باشد
در هر حال احتراز نمودن را از آن گناه لازم دانند
که حق سبحانه و تعالی و رسول الله علیه و سلم
در باب رعایت حقوق العباد تا کید بسیار

۲۶

فرموده اند چنانچه در سوره انفال در ربع چهارم
از خبر و بهم میفرماید که فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ
بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
یعنی پس تیرسید از خدا تعالی و با صلاح آرید
آنچه میان شماست بمواسا بایکدگر فرمانبرداری
کنید خدا تعالی و رسول او را اگر هستید شما
مومنان صادق و نیز در کتاب صحیح بخاری

اوین

۲۷

بروایت عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنہما حدیث
از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کہ المسلم
مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُحَاجِرُونَ
مَنْ هَجَرَ مِمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ يَعْنِي مُسْلِمَانِ
کامل کسی است کہ بسلامت باشند مسلمانان
از ضرر دست و زبان او و مهاجر کسی است
کہ دوری و نفرت کند از آن چیزیکہ منع کرده است

۲۸

خدایتعالی از نزدیکی آن خیر و تمجید در کتاب
صحیح بخاری بروایت انس رضی الله عنه
حدیث دیگرست درین باب قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ أَحَدٌ
حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ ^{مَعْنَى}
کامل نشود ایمان به چکدامی از شما ایمان تا آنکه
دوست بدارد برای برادر مسلمان خود و آخر و

ن

۲۹

منافع آنخیزی را که دوست میدارد برادر
نفس خود پس مراعات حقوق مسلمانان
بعد از حق خدا و رسول و پادشاه اسلام که
خلیفه رسول الله صلی الله علیه و سلم است
بریکدگر واجب و لازم است و هرگاه کسی را
شرارت نفس غالب باشد و در محبت خدا
و رسول باین دو درجه مذکور که اعلی و اوسط

۳۰

است قیام کرده تواند بدرجه سیوم که بعد
ازین بیان کرده میشود هم اگر بقدم ثابت
و نیت راسخ قیام نماید بنور امید مغفرت از
خداوند رحیم و چشمداشت شفاعت از رسول
کریم برای او باقی میباشد - و آن نیست مگر
حب لله و بعض فی الدین یعنی با خدا و اهل حق
محبت و دوستی کردن و با شیطان اهل باطل

لغو

۳۱

خصومت و دشمنی و زریدن تسبیح این
مقال آنکه هرگاه شخص مسلمان در حفظ حدود
و احکام شرع شریف بقدر وسع بشری که قابل
تکلیف است بر نفس خود باز نهد باری ^{انتقد}
بر و فرض است که بدین سلام و مددکاران
دین از برای رضای حق در ظاهر و باطن در دست
و خیر خواه باشد که حب لله عبارت ازین است

۳۲

و با کفر و هواخواهان کفر در راه خدا دشمن و بدخوا
باشد که بغض فی الله بمین چنانچه حق سبحانه
و تعالی در سوره توبه در ربع دوم از خبر خود
فرموده است که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَجَبُوا لَكُمْ
عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ
الظَّالِمُونَ یعنی ای آنحضرت که ایمان آورده ای

و انما

۳۳

فرامگیرد پدران و برادران خود را دوستان اگر بود
انها که دوست داشتند کفر را بر ایمان ننویسند
خواهی کفر و بدخواهی اسلام را میگردند و سیکه
دوستی کنند از شما با ایشان پس انکروه شتمکاران
و از حد بیرون رفتگانند - تاکید تا باین حد است
که اگر پدر و برادر و فرزندی کسی نعوذ بالله محبت
کفر را بدل اختیار کند بیزار می نمودن از آنها فرزندان

۳۴

وتنیز در کتاب صحیح بخاری حدیث است

از رسول الله صلی الله علیه وسلم حد ثنا

محمد بن المثنی قال حد ثنا عبد الوهاب ^{الثقفی}

قال حد ثنا ایوب عن ابی قلابه عن انس

عن النبی صلی الله علیه وسلم قال ثَلَاثٌ

مَنْ كُنْ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ

اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ

أَنْ

۳۵

أَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكُونَ

أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكُونُ أَنْ يُقَدَّفَ فِي النَّارِ

یعنی رخصت است در شان کسیکه باشد می باشد

انگس حلاوت ایمان را یکی آنکه باشد خدا و رسول

در دل او دوست تر و محبوب تر از ما سوا او

او شان در عالم - دویم آنکه دوست بدارد

مردی را و آن دوستی نباشد مگر خاص از برای خدا

۳۶

سیوم آنکه آنقدر نارضا باشد از نیکی بکردار کفر
چنانچه نارضا می باشد از نیکی انداخته شود در آتش
و این معنی ظاهر است که بودن محبت سر
در دل عین کفر است و محبت اسلام در دل
عین اسلام است و هم ازین سبب است
که با وجود فضل و رحمت بی نهایت خداوند
که جمله عاصیان امید بخشایش دارند اگر نوبت باشد

الحی

۳۷

از کسی در دین تویم مسلمانی خللی برسد یا دشمنی
دین برای خرابی اهل اسلام مملکی کند یا بدل
دوستی کند از رحمت بیستهای انیزدی ^{قطعا}
بی نصیب میشود زیرا که مغفرت الهی و شفا ^{عبت}
رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم تفرار عقیده
اسلامیه برای کسانی که گناهان کبیره کرده باشند
حق است نه از برای اهل کفر - و طاعت هر دین را

۳۸

تخیرند آستن و هواخواه بدخواهان دین بون
و بادوستان و خدمتکاران دین و حامیان
شرع مبین بدخواهی و نفاق و زیدین کفر
غلط است نعوذ بالله منها پس امیر دین
خلافت و امارت که از عهد رسول الله
علیه وسلم نهاده شده و فرمانهای خدا
و رسول در قرآن و کتابهای حدیث در باب

تلاوت

۳۹

اطاعت اولوالامر و خدمت نمودن و صداقت
وزریدن با خلیفه زمان - مکرز آمده بهین
است که دین اسلام ناموس اکبر است و
حق است و از جانب رسول خدا صلی الله
علیه وسلم پادشاهان بطریق نیابت خلافت
در محافظت و نگه داری این ناموس اکبر مستند
و سایر خلق بفرمانبرداری و اطاعت و معاونت

۴۰

شان مامور چنانچه حق سبحانه و تعالی در
جج در ربع چهارم از خبر و هفتمین طریقه
الَّذِينَ إِن مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ یعنی آنحضرت
که بر حمت شامله قریب و پیوسته جای دیم
در زمین و دستگاه و اختیار دیم که مراد از

و نایاب

۴۱

وسلاطین ست برپای بداند نماز را و بند
زکوٰۃ را بمصارف آن و بفرماند بندگازانگی
و منع کند خلائق را از بدکاری و مرض امتعا
راست نهایت و انجام همه کارها پس ثابت
شد که دین ناموس اکبرست و حق است و
پادشاهان از طرف خدا و رسول و یاران او
نگهبان همین ناموس اند و هم ازین است که

۴۲

رسول صلی الله علیه وسلم در اطاعت امام
پیوسته و حیست فرموده بلکه امر جازم نموده
چنانچه در کتاب صحیح بخاری و ابی بن
رضی الله عنه و اسناد صحیح این حدیث شریف
آمده که مَنْ اطَاعَنِي فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي
فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ
وَمَنْ يَعْصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي وَإِنَّمَا الْأَمْرُ

بِمَنْ

۴۳

جَنَّةُ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقِي بِهِ فَإِنْ أَمَرَ
بِتَقْوَى اللَّهِ وَعَدَلَ فَإِنَّ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرًا
وَإِنْ قَالَ بَغْيِيهِ فَإِنَّ عَلَيْهِ مُتَّحَةً
بِغْيِي سِيكِهِ فَرَمَانِ بَرِي كَرْدَمَرِ تَحْقِيقِ فَرَمَانِ
كَرْدِ خدای رَاو سِيكِهِ بَغْيِ مَانِ كَرْدَمَرِ تَحْقِيقِ بَغْيِ
كَرْدِ خدای رَاو سِيكِهِ فَرَمَانِ بَرِي كَرْدَمَرِ
تَحْقِيقِ فَرَمَانِ بَرِي كَرْدَمَرِ سِيكِهِ بَغْيِ مَانِ كَرْدَمَرِ

۴۴

خود را بجهت حق بغیر مانی کرد مرا و تحقیق امام
پرست از برای سایر مسلمانان که مقاتله میکنند
با عمری و معاونت او با کفار و با عیان و
نکاه داشته میشود با و شر دشمنان و اهل فساد
پس اگر امر کرد امام تقوی حق و عدل کرد پس
مرا و راست باین عدل و امر تقوی حق کردن
اجرنیک و اگر بخلاف این کرد پس براوست

مظله

۲۵

منظومه و گناه آن - یعنی بردمان نمیرسد که بجا
امام خود ایراد بگیرند و ایراد های خود را دلیل بر
معصیت و مخالفت بدارند بلکه در مرجع
اطاعت امام را لازم بدانند که از جانب خدا
و رسول تفویض امور را برای او شده خیر
و شر از او در خور خبر پرسیده میشود که او را صاحب
اختیار و شبان خلق مقرر کرده است پس

۴۶

نیران ویل و افسوس ست بران نکسانیکه
قدر ناموس دین و ایمان خود را نمیدانند
و تبعیت رسوم و عادات زمانه پیوسته حکم خود را
منحورند گاهی زن و فرزند را ناموس عظمی مینمایند
و گاه ریش و دستار را عروقه الوقتی مینمایند
و اگر نعوذ بالله رکنی از دین شان بنفید و یا شطرنج
از ایمان شان زایل شود اول ندانند و اگر بداند

الحمد لله

۴۷

بجند و نزل بگذرانند البته که حدیث مخبر صادق
صلی الله علیه و سلم بی مصداق نیست که
فرموده اند که مومن عمل صالح میکند و از خوف
میگریزد و منافق عصیان می ورزد و از غرور
میخندد این نکته نیز از بیدل علیه الرحمة که عارف
و اصل بود در اینجا مناسب آمده که - خلاق را
تقلید و ضاع بگذرد و نیز تحقیق است و تبعیت

۴۸

عادات و رسوم مانع سز منزل توفیق ربان
انکار ز غیر کن که تصدیق نیست
و اگر دبدل دلیل توفیق نیست
تبعیت خالق از حق غافل کرد
ترک قلب گیر تحقیق نیست
و چه بی نصیب طایفه خواهند بود که با دعوت
اسلام و لاف مسلمانان دلهای قاسیه شانه

الذکر

۹۴

از نور محبت خدا و رسول آنقدر عاری باش
که بیکپایه از سته درجه مذکوره ایستاده بناچار
حق سبحانه تعالی از حال پرستش لال شان
خبر داده که قَوْلُ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ
أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ یعنی پس شدت
و سختی عذاب است بر آن سخت دلانی را
که دل‌های شان اعراض کنند و پخت

۵۰

از ذکر حق تعالی آنکروه در کمرای شکارا
علی الخصوص کسانی که از درجه بیوم کنه
و بغض فی الله است و این از جمله ایمان
نه از جمله اعمال بی نصیب و عاریست
و ندانند که در چه مهلکه افتادند انتهی کلام الامیر
الفاضل الخیر منک جمیع اوراق و راقم
این سیاقم میگویم برگاه بحکم آیات و احادیث

مذکر

مذکوره و دلایل عقلی و نقلی محبت دین اهل
دین شرط است در قبولیت ایمان پس امروز
در میان جمله اهل اسلام جناب ظل الهی حاتمی
بنوی و معین شرع مصطفوی امیر سعادت
نخیر امیر عبد الرحمن خان غازی
دام اقباله بنا بر چند وجه نسبت بسایر اهل دین
مستحق تراز برای دوستداری و پرستار

۵۲

میباشد اول آنکه چنانچه از جمله خلائق زاده تر
بدین قوم معاونت میرسانند همچنین سب
بعد از خدا و رسول و خلفای راشدین جمله
دلها استحقاق محبت و صداقت و رزیدن را
نسبت بسایر مردمان بیشتر و بیشتر دارند
ثانیاً آنکه اگر چه در خدمت دین کوشش می
عبادت خود اوستانت لکن چون منافع دینی

و دینی

۵۳

و دنیوی آن بجهت فردی از افراد اهل اسلام
علیه میرسد با الضرورت قدر دانی و
شناسی آنهمه احسانها تاثیر بر فردی علیحد
لازم است یسوم آنکه چون در عزت دین
که ناموس کبر است جمله اهل اسلام شریکند
که در خدشنداری و محافظت و معاونت
دین مبین نیز با او شان شریک باشند

۵۴

همه آرام طلبی و تن پروری و هوا پر کنشی
و عمر خود را بخواب غفلت و بدستی بهالت
گذرانیده یکسر کلفت نای خود را بدوش
ولی نعمت خیر خواه خود بیند زند و گرانکه بقرا
و عده بر حقی که خدا تعالی فرموده است
کَتَبَ اللَّهُ لَا غَلْبَ لَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عَزِيزٌ یعنی حکم کرده است خدا تعالی برای

۲۸

۵۵

هرآنچه به تحقیق غالب میشود من رسولان
من دشمنان دین بدرستی که خدا تعالی قوی
و غالب است چون دین اسلام حق است
و خیال و نیست اراده امیر مسلمانان نیاید
رسول الله صلی الله علیه و سلم است نیز الحمد
بکمال حق گذار و خیر خواهی دین است
از اینجا یقیناً امید است که برکت رواج

۵۶

رسول کریم که همیشه متوجه و بیدار این دین را
حق سبحا و تعالیٰ عده خود را که بجا فطرت
دین و نصرت موهمین نموده و فایمکن
و این پادشاه دین پناه را بر دشمنان ^{لب} عا
میسازد و این دین را روشن میکرد اند ^ط
اسلام و مسلمانی و دینداری و کمال سعادت
مندی و خجسته یاری همین است که در حد

دین.

۵۷

دین و رضا جوئی رب العالمین جمیع کرمات
بر بندند تا دین ثواب جمیل و اجر جلیل
شریک شوند و از خجالت روز محشر درزد
شفیع المذنبین پاک و خالص برآیند و آن
و از فصاحت و قهر خدا و شرمساری دنیا و
عقبی نجات بیابند اَللّهُمَّ اٰمِنْ يٰ اَرَبَّ
اَلْعٰلَمِیْنَ صَلَّی اللّٰهُ تَعَالٰی وَسَلَّم عَلٰی

۵۸

سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَآلِهِ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خاتمه

بعون کردگار زمین و زمان و مرحمت خلافت
مکین و مکان این رساله نصیاح نامه هدایت
خاتمه بفرمایش سراسر اسایش پادشاه

بجاء

۵۹

جم جاہ اسلام نپاہ ہادی سرشت بیکان بیدار
خود سری و ناصح رسوم و سرفہ پیمبری
الامیر ابن الامیر ابن الامیر
امیر عبد الرحمن خان غازی
خلد اللہ ملکہ و سلطانہ بہت منفعت و بہت
خاص و عام و تقویت دین حضرت
سید الامام و مطبع دار السلطنہ کابل

۴۰

باب تمام گل محمد خان درانی بارگزار
محمد زانی مستم چایه خانه مبارکه موصوف
بید اقل العباد حافظ حیدر علی اصراری تاریخ
نهم ماه رجب المرجب ۱۳۱۱ هجری
دفعه دوم حلیه الطباع پوشیده جلوه آرد
ممبر و محراب گیر



